

شاه علاء الدین

شاه علاء الدین محمد نسبش با بیست و چهار واسطه به علی ابن ابیطالب میرسد راجع به احوال شاه علاء الدین و شاه قطب الدین محمد نقیب و قوام الدین حسین و شاه تقی الدین محمد نقیب و معزالدین محمد و میرغیاث الدین محمد مشهور به میرمیران و اولاد و اعقاب آنها در اغلب کتب تواریخ و تذکره‌ها به تفصیل یاد شده است .

در مورد شاه علاء الدین سرسلسله خاندان شاه علائی و شهبهانی زان او بن فرانسوی در بررسیه‌های تاریخی شماره ۳ سال دهم نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران می نویسد ((تاریخ سیاسی سلسله آق بویونلوها تا قبل از پیدایش و بهره برداری از اسناد و مدارک آرشیو موجود این خاندان چنانچه باید و شاید روشن نبود این اسناد و بعضی اسناد مربوط به مرحوم آقای جهان‌شاهی رئیس سابق دیوان عالی کشور راه را برای مطالعه در احوال این سلسله بطریقی که با عقاید معموله فرق داشته گشوده است و این منابع بسیار ارزنده که تا بحال بسیاری از آنها بچاپ نرسیده است تاریخ نویسان را در راه آشنائی بیشتر با این دوره مهم یاری میکند چه رقابت بین نواحی که شاخص اجتماعات شهری ایران در آن زمان بخصوص در اصفهان در حد اوج خود بود و بصورت کینه توزی و دشمنی بین شیعه‌ها و سنی‌ها ظاهر شده بود بزرگان شیعه اصفهان چون شاه علاء الدین محمد نقیب که از سردسته‌های شیعیان اصفهان و نایب اصلی سلطان محمد در عراق عجم بود و سایرین متعهد میشوند در جنگی که بین سلطان محمد بایسنقر و پدر بزرگش شاهرخ در گرفته بود فعالانه شرکت کنند)) بدین لحاظ هنگامیکه شاهرخ بن تیمور در هرات بود پیر محمد که از طرف او حاکم اصفهان بود از اطاعت سرباززد و در مراجعت شاهرخ از هرات به اصفهان پیر محمد بشیر از گریخت و در آنجا خود را بسیج کرد شاهرخ هم هفت نفر از کسانی را که بانوه اش شریک وبه او استعانت کرده بودند از جمله خواجه افضل الدین ترکه ، قاضی امام و شاه علاء الدین محمد که مورد غضب او قرار گرفته

بودند در شهر ساوه یسعی گوهرشاد بیگم زن خود (بانی مسجد گوهرشاد) این عده را بقتل رسانیدند تنها از مردان بزرگ و روشنفکر که در اطراف شاهزاده سلطان محمد فرزند بایسنقر بودند شرف الدین علی یزدی صاحب کتاب ظفرنامه شرح حال تیمور را که او هم نویسنده معروف زمان بود بدار نزد اما پس از هشتاد روز که شاهرخ وفات نمود ابوالفتح سلطان محمد جانشین او جنازه شاه علاءالدین را از ساوه با تجلیل به اصفهان آورده و در حسینیه خود اویخت و خاک سپرد و بقیعه شهشهان را بر آن بنا کرد و قراء اصفهانک و دهات در زیان کراج اصفهان و ولایان فریدن را که امروز مشهور به آپاچی است بر بقیعه شاه علاءالدین وقف نمود، قطب الدین محمد فرزند شاه علاءالدین محمد در سال ۸۵۹ - ۸۶۰ درگذشته و برای شاه علاءالدین محمد وارث ذکوری جز یک دختر بپیش نبوده است بقیعه شهشهان در مجاورت مسجد جامع اصفهان از جمله بقاع متبرکه و تاریخی و از آثار مهم باستانشناسی است و اداره باستانشناسی بقیعه مزبور را جزء آثار ملی و تاریخی دوره تیموریان بشماره ۳۶۸ به ثبت رسانیده است دستخط سلاطین آق قویونلو و قوره قویونلو چون یعقوب بک و اوزون حسن و رستم بیگ و صفویه و نادری درباره این خاندان و قرابت آنها با خاندان سلاطین صفوی و تولیت و موقوفات بقیعه شهشهان در میان مجموعه مکاتبات و مناشیری است که در کتابخانه ذیقیمت مرحوم آقا سید حسین شهشهان صیبط است و از جمله آثار کم نظیر و تاریخی ایران است. اهمیت این فرامین بیشتر از این نظر است که اصل آنها یکی از مهمترین حوادث تاریخ و برتری شیعه را در اصفهان در آن تاریخ در بردارد و باین لحاظ است که مورد علاقه خاص مراکز علمی و دانشگاهی است، میان اولاد و احفاد شاه علاءالدین چنانکه مآخذ متعدد نشان میدهد هم سیاستمدار، هم خطاط و هم شاعر و هم عالمان و مجتهدین زیاد دیده میشود چنانکه میر قوام الدین حسین برادر شاه تقی الدین محمد که از نزدیکان شاه اسمعیل اول بوده علاوه بر مقام صدارت از مقام قاضی القضاة و نقیب النقبائی عراق عجم را که هم قبلاً به اجدادش تعلق داشته است شاه اسمعیل به او اعطاء میکند قوام الدین حسین بعدها بمقام ناظری دیوان اعلا رسید و بدین طریق توانست نظارت خود را بر تمام مؤسسات صفویه بسط دهد و در ۹۳۰ که جلوس شاه طهماسب اول بود و شاه در آن موقع بیش از ده سال و شش ماه و بیست روز نداشت میر قوام الدین حسین که قبلاً "صدر اعظم شاه اسمعیل اول بود صدر اعظم این پادشاه هم بود چندی بعد میر معزالدین محمد اصفهانی پسر شاه تقی الدین محمد نقیب مجتهد و دانشمند وقت یکی دیگر از همین خاندان که در خط نستعلیق هم شهره آفاق و نمونه خطوی در مجموعه خطوط زیبای ایران و خاور میانه خطاطین نامی چون باباشاه اصفهانی و میر علی وغیره که در چهارده سال پیش در مسکو بجای رسیده است دیده میشود هشت سال صدر اعظم شاه طهماسب بود بطوریکه مجموعه

آثار خطاطان چاپ لنینگراد مسکو صفحه ۱۷ حاکی است مهزالدین محمد سیاستمدار ذوفن متخصص کتیبه نویس و مرقع هم بوده و آشنائی به ادبیات و موسیقی داشته و شعر هم میگفته است. وزاد المسافرینی بخطر ریز نستعلیق در ۴۳۰ سال پیش نوشته است که در کتابخانه دولتی سالتکوف - شدرین مسکو موجود و محفوظ است که هنوز چاپ نشده است این استاد سبک و شیوه مخصوص بخود داشته و از شیوه و سبک خط دیگران کپی و تقلید نمیکرده است و خود با الفطره مبتکر کار خویش بوده است کتاب الاوائل تالیف حاج محمد مقدس اصفهانی صفحه ۴۴۶ مینویسد شاه اسمعیل صفوی اول کسی از سلاطین صفوی بود که منصب شیخ الاسلام و قاضی و امام جمعه و قاضی عسکر که مخصوص سلاطین نسبت به علماء اهل سنت بوده فرمان هر سه منصب را علاوه بر مقام صدارت بر معز الدین محمد صادر مینماید و شیخ الاسلام در عرف و عادت بکسی اطلاق میشود که متصدی افتاء و قضاء و حل مشکلات بین مردم باشد و نخستین کسی که در دوره اسلامی لقب او را شیخ الاسلام نوشته اند امام برهان الدین ابوسعید دین امام فخر الدین کوفی است که در مطلع الشمس فرماید او قاضی و شیخ الاسلام خراسان بود و در سنه ۵۸۲ بقتل رسیده چندین سال بعد شاه تقی الدین محمد نقیب اصفهانی پدر میر معزالدین محمد خطاط که تولیت آستانه قدس رضوی و بعضی املاک وقفی اشخاص را هم داشت صدر اعظم شد و سالها بعد میرغیاث الدین محمد مشهور به میرمیران برادر شاه تقی الدین محمد از سادات حسینیه اصفهان صدر اعظم شد و در حین ارتحال شاه طهماسب نیز او صدر اعظم بود شاه طهماسب ۵۴ سال سلطنت کرد و در زمان سلطنت آن ده نفر صدر اعظم شدند که از بین آنها چهار نفر از این خاندان که قصور و دستگاههایی داشتند صدر اعظم بودند بغیر از امیر معزالدین محمد، خطاطین دیگری هم مانند میرزا محمد سادات (حسن الحسینی) و آقا میرزا عبدالجواد و آقای میرسید محمد در این خاندان بغیر از مقام علمی و ادبی خطاط هم بوده اند همچنین مجتهدین و عالمان بنامی که ضمناً " شاعر هم بوده اند دیده میشود مانند مرحوم آقای آقا میرزا سید محمد شهشانی از مجتهدین بنام که کتابهای زیادی نوشته است و هزاران ابیات از طهارت تادیانت گفته است که در بعضی از آنها مطالبی هم هست و هنوز چاپ نشده است (در تکیه شهشانی اول تخت فولاد اصفهان دفن است) همچنین مرحوم آقای حاج میرزا عبدالحسین شهشانی متخلص به نیسان که رئیس انجمن ادبی همدان بود و قصاید او در کتاب شعرای اصفهان و همدان درج شده و از شاگردان میرزای شیرازی و ملاحسین قلی در نجف بوده در دوره اول زمشهد وکیل و وی با آقایان الفت و حاج میرزا محمد صادق عالم دهر و غمام همدانی رفیق و ندیم بود، چنانچه از تواریخ و مناشیر و تذکره های معتبر برمیآید این خاندان نقیب حسینی های اصفهان بمناسبت زحماتیکه در راه نشر علم و روشن شدن افکار عمومی مینمودند

همیشه مورد محبت سلاطین آق قویونلو و قره قویونلو و صفویه بودند چنانکه شاه عباس اول هم فرمانی برای میرزا محمد امین حسینی نواده شاه تقی الدین محمد نقیب صادر نموده است این خاندان نقیب حسینی همیشه بین مردم بسیار معزز و علاوه بر مقامات دیگر بسبب حسن نیتی که در تمام امور داشتند مقام قاضی القضاتی و نقیب النقبائی را همیشه داشته‌اند

آقای مهندس شاه علائی صاحب امتیاز و مدیر پیشین مجله هفتگی روستا است و با چهل واسطه نسبش به علی بن ابیطالب میرسد. از طرف مادر به خانواده امام جمعه اصفهان و مرحومین مجلسی و ملا صالح مازندرانی و از طرف پدر به حاج شیخ محمد باقر شفتی و شاه شرف الدین حیدر گلستانه و شاه علاءالدین محمد نسبت دارد آقای مهندس شاه علائی پس از طی دوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان از دانشکده کشاورزی تهران فارغ التحصیل شده و سپس بخدمت وزارت کشاورزی درآمد و سالیان متمادی شاغل مشاغل مختلف در آن دستگاه بوده است.



نمونه خط
محمد الحسنی
الحمینی

عن الصادق عليه السلام لا تطلب
من الدنيا أربعة فإني لا أجدها وانت
لا بد لك فيها عالا لا تستعمل عليه فنتهي عن العمل
من عمرتك فنتهي عن العمل وطعاما لا تستعمل الله عليه واليه وسلم
لا يحيب فنتهي عن العمل الذي حيل الله تعالى به فنتهي
إذا ظهرت في أممي عشر خصال غاب عنك الأبرار وإذا أتوا الضيق
إذا ظهر في أممي عشر خصال غاب عنك الأبرار وإذا أتوا الضيق
كشي من الأمر فإذا منعوا الزكوات القطن من
المواشي وإذا جاروا السلطان منعوا الزكوات القطن من
كتب العناوين وإذا جازوا السلطان منعوا الزكوات القطن من
مجانبة الخلق في الدنيا والآخرة



35. Мунис аз Дин Муҳаммад аз-Хусофий.
Образец каллиграфии. 971. 1563-64.